



دانشنامه فلسفه استنفورد

طبیعت‌گرایی

دیوید پاپینو
ترجمه حسن امیری آرا

دانشنامه فلسفه استنفورد

(۷۰)

دبیر مجموعه: مسعود علیا

-
- سرشناسه: پاپینو، دیوید، ۱۹۴۷ - م.
عنوان و نام پدیدآور: طبیعت‌گرایی / دیوید پاپینو؛ ترجمه حسن امیری آرا.
مشخصات نشر: تهران: ققنوس، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری: ۹۶ ص.
فروست: دانشنامه فلسفی استنفورد / دبیر مجموعه مسعود علیا؛ ۷۰.
شابک: ۸- ۲۹۰- ۲۷۸- ۶۰۰- ۹۷۸
وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا
یادداشت: کتاب حاضر ترجمه مقاله‌ای اینترنتی تحت عنوان «Naturalism» از دایرةالمعارف «Stanford encyclopedia of philosophy» است.
یادداشت: واژه‌نامه.
یادداشت: کتابنامه.
یادداشت: نمایه.
موضوع: طبیعت‌گرایی
Naturalism: موضوع
شناسه افزوده: امیری آرا، حسن، ۱۳۶۶ -، مترجم
شناسه افزوده: علیا، مسعود، ۱۳۵۴ -، دبیر
رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۵ ط۲ پ۲/۶۰۱ PN
رده‌بندی دیویی: ۸۰۹/۹۱۲
شماره کتاب‌شناسی ملی: ۴۳۶۵۷۳۰
-

دانشنامهٔ فلسفهٔ استنفورد (۷۰)

طبیعت‌گرایی

دیوید پاپینو

ترجمهٔ حسن امیری‌آرا



این کتاب ترجمه‌ای است از:

Naturalism

The Stanford Encyclopedia of Philosophy

David Papineau, Sep 15, 2015

این مجموعه با کسب اجازه از گردانندگان دانشنامه
فلسفه استنفورد (SEP) منتشر می‌شود.



انتشارات قنوس

تهران، خیابان انقلاب، خیابان شهدای ژاندارمری،

شماره ۱۱۱، تلفن ۴۰ ۸۶ ۴۰ ۶۶



دانشنامه فلسفه استنفورد (۷۰)

دبیر مجموعه: مسعود علیا

طبیعت گرایی

دیوید پاپینو

ترجمه حسن امیری‌آرا

چاپ اول

۱۶۵۰ نسخه

۱۳۹۵

چاپ پڑمان

حق چاپ محفوظ است

شابک: ۸ - ۲۹۰ - ۲۷۸ - ۶۰۰ - ۹۷۸

ISBN: 978 - 600 - 278 - 290 - 8

www.qoqnoos.ir

Printed in Iran

۶۰۰۰ تومان

فهرست

پیشگفتار دبیر مجموعه	۷
درآمد	۱۱
۱. طبیعت‌گرایی هستی‌شناختی	۱۵
۲. طبیعت‌گرایی روش‌شناختی	۴۹
یادداشت‌ها	۷۸
کتابنامه	۸۴
واژه‌نامه انگلیسی به فارسی	۹۲
نمایه	۹۴



پیشگفتار دبیر مجموعه

بسیاری از کسانی که در ایران به نحوی از انحا کار فلسفی می‌کنند و با فضای مجازی اینترنت نیز بیگانه نیستند نام دانشنامهٔ فلسفهٔ استنفورد^۱ را شنیده‌اند و چه بسا از این مجموعهٔ کم‌نظیر بهره نیز برده باشند. این دانشنامه حاصل طرح نیکویی است که اجرای آن در سال ۱۹۹۵ در دانشگاه استنفورد آغاز شد و همچنان ادامه دارد. به لطف کمک‌هایی که گردانندگان این مجموعه از آن‌ها برخوردار شده‌اند، متن کامل تمامی مقالات این دانشنامه در اینترنت به‌رایگان و به آسان‌ترین شکل در دسترس خوانندگان علاقه‌مند قرار گرفته است.

نگاهی به ساختار و مندرجات مقاله‌ها و مرور کارنامهٔ نویسندگان آن‌ها، که عموماً در حیطهٔ کار خویش صاحب نام و تألیفات درخور اعتنا هستند، گواهی می‌دهد که با مجموعه‌ای خواندنی مواجهیم، مجموعه‌ای که غالباً مدخل‌های مناسبی برای ورود به گستره‌های متنوع تأمل فلسفی به دست می‌دهد. به این اعتبار، می‌توان به جرئت گفت کسی که می‌خواهد اولین بار با مسئله یا مبحثی در فلسفه آشنا شود، یکی از گزینه‌های راهگشایی که پیش رو دارد این است که ابتدا به سراغ مدخل یا مدخل‌های مربوط به آن در این دانشنامه برود.

دانشنامهٔ فلسفهٔ استنفورد (به سرپرستی دکتر ادوارد ن. زالتا^۲)

1. *Stanford Encyclopedia of Philosophy* (SEP)

2. Edward N. Zalta

افزون بر این‌که پیوندی فراگیر میان فضای دانشگاهی و عرصه عمومی برقرار کرده، ویژگی‌های درخور توجه دیگری هم دارد. حجم بسیاری از مقاله‌های این دانشنامه چشمگیر است. ظاهراً دست نویسندگان در شرح و بسط کثیری از موضوعات و مباحث باز بوده است. دیگر این‌که در کنار مدخل‌های نام‌آشنا گاه به موضوعات و مسائل کم و بیش بدیعی پرداخته شده است که شاید در نظر اول ورودشان به دانشنامه‌ای فلسفی غریب بنماید و در عین حال خواننده را به بازاندیشی درباره دامنۀ تفکر فلسفی و نسبت آن با زیست‌جهان خویش فراخواند. کتابنامه‌های مندرج در پایان مقاله‌ها نیز، که معمولاً به‌دقت تدوین شده‌اند، یکی از محسنات این دانشنامه است که به‌ویژه به کار دانشجویان و محققانی می‌آید که می‌خواهند در زمینه‌ای خاص پژوهش کنند. این را هم نباید از نظر دور داشت که خاستگاه این دانشنامه به هیچ روی موجب نشده است که متفکران و مباحث فلسفه قاره‌ای نادیده گرفته شوند.

انتشار تدریجی این دانشنامه به زبان فارسی و فراهم کردن امکان مواجهه شمار هرچه بیشتری از خوانندگان علاقه‌مند با آن، چه‌بسا استمرار همان غایتی باشد که مورد نظر بانیان این طرح بوده است. بر این اساس، در گام نخست انتخابی اولیه از میان مدخل‌های پرشماری که در دانشنامه آمده است صورت گرفته و کار ترجمه آن‌ها به سعی مترجمانی که با این طرح همکاری دارند به تدریج پیش می‌رود. ترجمه کل دانشنامه البته غایتی بلندپروازانه است، به‌ویژه با توجه به این‌که هنوز همه مقاله‌های آن به نگارش درنیامده‌اند. با این حال، تلاش بر این است که، در صورت فراهم بودن شرایط، انتشار این مجموعه استمرار پیدا کند و به سرنوشت مجموعه‌هایی دچار نیاید که آغازی چشمگیر داشته‌اند ولی دولشان چندان پاینده نبوده است.

روال غالب این است که هر کدام از مدخل‌ها در یک مجلد منتشر شود، اما در مواردی که حجم یک مدخل از حداقل لازم برای این‌که به

هیئت مجلدی مستقل منتشر شود کمتر باشد، آن مدخل همراه با مدخل دیگری که با آن قرابت موضوعی دارد انتشار می‌یابد. به توصیهٔ دکتر زالتا، نسخهٔ اساس ترجمه‌ها آخرین ویراستی خواهد بود که در بخش آرشیو دانشنامه درج شده است، و همین امر در چاپ‌های مجدد ترجمه‌ها مبنا قرار خواهد گرفت. در مرحلهٔ ویرایش، تمامی ترجمه‌ها سطر به سطر با متن انگلیسی مقابله خواهند شد تا عیار کار درخور این مجموعه باشد. در این میان تلاش می‌شود توازن شایسته‌ای میان احترام به سبک و زبان هر مترجم از یک سو و اقتضائات مجموعه از سوی دیگر به دست آید. طرح انتشار این مجموعه شاید فردی بوده باشد، اما اجرا و اتمام آن البته کاری جمعی است و با تلاش مشترک و همراهی دوستانی میسر می‌شود که به این کار دل می‌سپارند. افزون بر مترجمانی که در این طرح همکاری می‌کنند، سپاسگزار دیگرانی هستم که مساعدتشان پشتوانهٔ اجرای شایستهٔ آن است. به‌ویژه از آقای دکتر زالتا و سایر گردانندگان دانشنامه قدردانی می‌کنم که اجازه دادند مجموعهٔ حاضر به زبان فارسی منتشر شود. همچنین، باید یاد کنم از آقای امیر حسین زادگان، مدیر انتشارات ققنوس، که زمینهٔ اجرای طرح را فراهم کردند؛ آقای دکتر سید نصرالله موسویان، که یاری بی‌دریغشان برای این مجموعه بسیار مغتنم بوده است؛ و آقای جهانگیر ملک محمدی و یکایک همکاران ایشان در بخش فنی انتشارات، که می‌کوشند این مجموعه با شکل و شمایلی درخور منتشر شود.

مسعود علیا

زمستان ۱۳۹۲



[درآمد]

اصطلاح «طبیعت‌گرایی» معنای چندان مشخصی در فلسفه معاصر ندارد. کاربردِ امروزی آن از مناقشات نیمهٔ اول قرن گذشته در آمریکا ناشی می‌شود. از جمله کسانی که در آن دوره خود را «طبیعت‌گرا» اعلام کردند می‌توان جان دیویی،^۱ ارنست نیگل،^۲ سیدنی هوک،^۳ و روی وود سلرز^۴ را نام برد. این فیلسوفان می‌خواستند فلسفه را هرچه بیشتر با علم همگام کنند. آن‌ها استدلال می‌کردند که واقعیت صرفاً طبیعت است و هیچ امر «فراطبیعی» در خود ندارد، و برای تحقیق در تمام حوزه‌های واقعیت، از جمله «روح انسانی»، باید روش علمی را به کار برد (Krikorian 1944; Kim 2003).

«طبیعت‌گرایی» بدین معنا، وقتی که در مورد فیلسوفان معاصر به کار می‌رود، اصطلاح چندان اطلاع‌بخشی نیست. بیشینهٔ عظیم فیلسوفان معاصر طبیعت‌گرایی را به آن صورتی که در این‌جا توصیف شد با خرسندی می‌پذیرند – به عبارت دیگر، آن‌ها هم امور «فراطبیعی» را انکار می‌کنند و هم روا

1. John Dewey 2. Ernest Nagel 3. Sidney Hook

4. Roy Wood Sellars

می‌دارند که علم (اگر ضرورتاً یگانه راه ممکن نباشد، دست‌کم) راهی ممکن برای حصول حقایق مهم دربارهٔ «روح انسانی» باشد. با این حال، این مدخل بر آن نیست که به‌دقت تعریف اطلاع‌بخش‌تری از «طبیعت‌گرایی» به دست دهد. تلاش برای تعیین شیوه‌ای رسمی از فهم این اصطلاح بیهوده است. فیلسوفان مختلف معاصر «طبیعت‌گرایی» را به شیوه‌های مختلف تعبیر می‌کنند. این اختلاف‌نظر بر سر کاربرد اصطلاح تصادفی نیست. چه بخواهیم چه نخواهیم، «طبیعت‌گرایی» به طور وسیعی در محافل فلسفی به چشم اصطلاحی مثبت نگریسته می‌شود - این روزها فیلسوفان فعالِ معدودی هستند که با خرسندی خود را «غیرطبیعت‌گرا» اعلام می‌کنند.^(۱) این امر لاجرم به واگرایی در فهم ملزومات «طبیعت‌گرایی» راه می‌برد. تمایل آن فیلسوفانی که پایبندی‌های طبیعت‌گرایانه نسبتاً ضعیفی دارند به این است که «طبیعت‌گرایی» را به نحوی غیرمحدودکننده بفهمند تا خودشان را از دسته «طبیعت‌گرایان» خارج نسازند، حال آن‌که فیلسوفانی که آموزه‌های طبیعت‌گرایانه پررنگ‌تری اختیار می‌کنند خوش دارند که ملاک سختگیرانه‌تری برای «طبیعت‌گرایی» وضع کنند.^(۲)

این مدخل، به جای آن‌که خود را گرفتار مسئله تعریف ذاتی کند، راهکار دیگری در پیش خواهد گرفت. نمای کلی طیفی از پایبندی‌های فلسفی از سنخ عموماً طبیعت‌گرایانه را ترسیم خواهد کرد و نکاتی در باب اتقان فلسفی آن‌ها خواهد گفت. در درجهٔ اول بر این مسئله تمرکز خواهد شد که آیا این

پایبندی‌ها را باید پذیرفت یا خیر، نه این‌که آیا آن‌ها معرّف «طبیعت‌گرایی» هستند یا نه. مسئله مهم، مدون‌سازی و ارزیابی استدلالی است که فیلسوفان را به جهتی در کل طبیعت‌گرایانه سوق داده است، نه تصریح این امر که برای آن‌که بتوانید خودتان را «طبیعت‌گرا»یی پروپاقرص بدانید، تا کجا باید پیش روید.

همان‌طور که توصیف مذکور از جریان آمریکایی نیمه قرن بیستم نشان می‌دهد، طبیعت‌گرایی را می‌توان به دو عنصر هستی‌شناختی^۱ و روش‌شناختی^۲ تقسیم کرد. سروکار عنصر هستی‌شناختی با محتویات واقعیت است، و این عنصر حکم می‌کند که در واقعیت جایی برای انواع «فراطبیعی» یا دیگر انواع «موهوم»^۳ موجودات نیست. در مقابل، عنصر روش‌شناختی به شیوه‌های تحقیق درباره واقعیت می‌پردازد، و دعوی نوعی مرجعیت عام برای روش علمی دارد. متناظراً این مدخل دو بخش اصلی خواهد داشت؛ بخش نخست به طبیعت‌گرایی هستی‌شناختی اختصاص یافته و بخش دوم نیز به طبیعت‌گرایی روش‌شناختی.

البته پایبندی‌های طبیعت‌گرایانه هم از نوع هستی‌شناختی و هم از نوع روش‌شناختی آن ممکن است در حوزه‌هایی غیر از فلسفه نیز اهمیت داشته باشند. تاریخ مدرن روان‌شناسی، زیست‌شناسی، علوم اجتماعی و حتی خود فیزیک را می‌توان به نحو سودمندی وابسته به نگرش‌های متغیر نسبت به اصول هستی‌شناختی و قواعد روش‌شناختی طبیعت‌گرایانه دید. با این

1. ontological 2. methodological 3. spooky

حال، این مدخل صرفاً به آن دسته از آموزه‌های طبیعت‌گرایانه اهتمام خواهد داشت که مختص به فلسفه‌اند. از این رو، بخش نخست مدخل، که در باب طبیعت‌گرایی هستی‌شناختی است، به طور خاص به دیدگاه‌هایی خواهد پرداخت که دربارهٔ محتویات عام واقعیت‌اند و از استدلال و تحلیل فلسفی برخاسته‌اند. تمرکز بخش دوم نیز، که در باب طبیعت‌گرایی روش‌شناختی است، به طور خاص بر آن دسته از مناقشات روش‌شناختی خواهد بود که به کار فلسفی، و علی‌الخصوص به ارتباط بین فلسفه و علم، مربوط می‌شوند.